

نقد و بررسی روایت تهاجم نظامی تابعه به ایران تا مرزهای تبت و چین در عصر قباد اوّل ساسانی با تکیه بر روایت طبری و دیگر منابع اسلامی تا قرن هفتم هجری*

حسن محمدی^۱

شهربانو دلبری^۲

اردشیر اسدیگی^۳

چکیده: تاریخ طبری به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تاریخ اسلام، روایت پیشروی نظامی برخی ملوک تابعه به ایران تا مرزهای چین و تبت در عصر قباد را بدون هر گونه داوری نقل کرده است. منابع اسلامی تا قرن هفتم هجری نیز غالباً این روایت را پذیرفته‌اند، لیکن سیاری از منابع هم عصر ساسانیان، مطابقی که مؤید این معنا باشد ارائه ننموده‌اند. این نوشтар با روش توصیفی-تحلیلی و مراجعه به اسناد و مدارک تاریخی، به دنبال پاسخ این پرسش بوده که روایت مذکور تا چه حد مورد تأیید است. نتایج حاصل از مقایسه روایت طبری و منابع تأیید کننده آن، با گزارش‌های تاریخی غیراسلامی - اوخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم میلادی - نشان می‌دهد که این پیشروی به معنای زیر پا گذاشت حاکمیت ایران نبوده، بلکه تنها با تسخیر حیره و غارت بخش‌هایی از محدوده فرات، سواد تا تیسفون مدائی - در غرب متصرفات امپراطوری ساسانی - مطابقت دارد.

واژه‌های کلیدی: روایت طبری، تهاجم نظامی، تابعه، قباد اوّل ساسانی، حارث بن عمرو کنده

* این مقاله برگرفته از رساله دکترای حسن محمدی با عنوان «بررسی جایگاه قبیله طیء در تاریخ اسلام و تشییع تا دهه سوم سده چهارم هجری» در گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی مشهد است که با راهنمایی شهربانو دلبری و مشاوره اردشیر اسدیگی به انجام رسیده است.

۱ دانشجوی دکترای تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد واحد مشهد (نویسنده مسئول) hasanmohammadi1967@gmail.com

۲ استادیار تاریخ تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد delbari0410@mshdiau.ac.ir

۳ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی مشهد jafar.asadbeigi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۰۴ تاریخ تأیید: ۹۷/۰۶/۲۱

of Military Invasion of Tabābi'a Monarchs to Review Iran up to Borders of Tibet and China during the Reign of Kavadh I Based on Tabari's Account and other Islamic References until 7th Century AH

Hassan Mohammadi¹
 Shahrbanoo Delbari²
 Ardeshir Asadbayghi³

Abstract: As one of the most important sources of Islamic history, *Tarikh al-Tabari* has reported the military invasion of Tabābi'a monarchs to Iran up to the borders of China and Tibet during the reign of Kavadh I, the Sassanid king, without any prejudice. Islamic sources until 7th century AH have widely accepted this narrative; however, several Sassanid references have not provided any statement supporting this view. With reference to historical documents, this descriptive-analytical study seeks to inspect the authenticity of the mentioned narrative. The results of comparison of Tabari's narrative and its confirmatory sources with historical non-Islamic accounts, dated back to late 5th and early 6th century AD - indicate no violation of Iran's sovereignty, rather the capture of Al-Hirah as well as pillage of parts of Euphrates region and Sawad up to Cteisphon Al-Mada'in in the west to the realm of Sassanid Empire.

Keywords: Tabari's Narrative, Military Invasion, Tabābi'a, Kavadh I, Harith ibn 'Amr ibn al-Kindi

-
1. Ph.D. student of history of culture and Islamic civilization of Mashhad Azad University(Corresponding Author) hasanmohammadi1967@gmail.com
 2. Assistant Professor Mashhad Azad University delbari0410@mshdiau.ac.ir
 3. Assistant Professor Mashhad Azad University jafar.asadbeigi@gmail.com

مقدمه

«تبّع» که جمع عربی و فارسی آن در منابع به دو شکل «تبادعه» و «تبّاعان» ذکر شده و در قرآن کریم دو مرتبه به صورت ترکیبی «قوم تُبَّعْ أَمَدَهُ»^۱ لقب تعدادی از پادشاهان حمیری یمن است.^۲ ریشه واژه «تبّع» به درستی معلوم نیست. در مرور نام‌گذاری این دسته از پادشاهان یمنی، به «تبّع»، عقاید گوناگونی مطرح شده است که بیشتر به قلمرو فرمانروایی ایشان باز می‌گردد. بر همین اساس، تاریخ پادشاهی حمیریان را به دو مرحله تقسیم کردند. مرحله اول که از سال ۱۱۵ یا ۱۰۹ پیش از میلاد شروع و تا ۳۰۰ م. به طول انجامیده به «ملک سباء و ذوریدان» شهرت یافته است و در مرحله دوم که از سال ۳۰۰ تا ۵۲۵ م. ادامه داشته و مناطق حضرموت، تهame و یمنات (یمنت) به سرزمین‌های زیر نفوذشان ملحق گردیده، لقب «تبّع» نیز به ایشان افروده شده است و به «تبادعه» هم شناخته می‌شوند.^۳

هر چند روایت طبری (وفات ۳۱۰ق) از پیشوای تبادعه حمیری به ایران تا نواحی مرزی چین و تبت، جزو آن دسته از روایاتی است که از قول اخباریان نقل شده است، طبری در خصوص آن شیوه‌ای غیر از محدثان و اهل حدیث^۴ در پیش گرفته، گزارش‌های پیش از اسلام

۱) **أَهْمَ حَيْرَ أَمْ قَوْمٌ تَبَّعَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكَنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ**؛ قرآن کریم، سوره الدخان، آیه ۳۷؛ و **أَصْحَابُ الْأَيَّكَةِ وَ قَوْمٌ تَبَّعُ كُلُّ كَذَبِ الرَّسُّلِ فَحَقَّ وَعِيدُهُ**؛ قرآن کریم، سوره ق، آیه ۱۴.

۲) عبدالملک بن قریب الأصمی (۱۳۷۹ق / ۱۹۵۹م)، *تاریخ العرب قبل الإسلام*، عن نسخة کتبت عام ۲۴۳ق، بتحقيق شیخ محمد حسین آل یس، بغداد: منشورات المکتبة العلمیة - مطبعة المعرفة، الطبعه الاولی، صص ۴۰-۳۳؛ ابو جعفر محمد بن حبیب (۱۳۶۱ق / ۱۹۴۲م)، *المَحَبَّر*، وقد اعتنت بتصحیح هذا الكتاب الدكتورة الآسية إيلزه ليختن شتیتر إحدی العالمات بأمریکا، حیدر آباد دکن: جمعیة دائرة المعارف العثمانیة، صص ۲۵۳، ۲۵۳، ۳۶۴، نشوون بن سعید الحمیری، (۱۴۰۱ق / ۱۹۹۹م)، *سمس العلوم و دواء الكلام العرب من الكلوم*، تحقیق آ.د.حسین بن عبدالله العمری، آ.مطہرین علی الإریانی و آ.د.یوسف محمد عبدالله، ج ۲، بیروت: دار الفکر المعاصر دمشق: دار الفکر، ص ۷۶۵؛ ابوالحسن علی المسعودی (۱۸۹۳م)، *التنبیه والإشراف*، لیدن: بریل، ص ۱۸۵؛ حمزه بن حسن اصفهانی (۱۳۴۶م)، *تاریخ پیامبران و شاهان* (سنی ملوك الأرض والأنبیاء)، ترجمه دکتر جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، صص ۱۳۲ و ۱۳۶؛ *مجمل التواریخ والقصص* (۱۳۱۸)، به تصحیح ملک الشعراه بهار، تهران: کلاله خاور، صص ۶، ۱۴۶، ۱۵۳، ۱۴۶، ۴۲۲، ۴۲۲.

۳) نک: جواد علی (۱۳۸۰)، *المفصل في تاريخ العرب قبل الإسلام*، ج ۲، قم: انتشارات الشیف الرضی، ص ۵۴؛ محمد رضا ناجی (۱۳۸۹)، «حمیری»، *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دایرة المعرفة اسلامی، ج ۱۴، صص ۲۴۲-۲۴۳؛ توفیق برو (۱۴۲۸ق / ۲۰۰۷م)، *تاریخ العرب القديم*، لبنان: دار الفکر المعاصر سوریه: دار الفکر، صص ۸۲-۸۳.

۴) اهل حدیث به إسناد اهمیت می‌دادند در حالی که اخباریان در ذکر إسناد تساهل می‌کردند و روایاتشان در آغاز فاقد اسانید بود ولی از قرن دوم تحت تأثیر اهل حدیث به إسناد توجه بیشتر نشان دادند؛ نک: سیدصادق سجادی و هادی عالمزاده (۱۳۸۶)، *تاریخ نگاری در اسلام*، تهران: سمت، ص ۶۵؛ حسن حضرتی (۱۳۸۲)، *دانش تاریخ و تاریخ نگاری اسلامی*، قم: بوستان کتاب، ص ۴۷۲.

این کتاب در معرض نقد و بررسی رجال‌شناسان قرار نگرفته و اخبار افسانه و اسرائیلیات در آن بسیار است.^۱ اما طبری خود به این اشکال چنین پاسخ می‌دهد: «بیننده کتاب ما بداند بنای من در آنچه آورده‌ام، بر راویان بوده است نه حجت عقول و استنباط نفوس، مگر اندکی که علم اخبار گذشتگان به خبر و نقل به متأخران رسیده باشد و خبرهای گذشتگان که در کتاب ما خواننده را متوجه می‌گرداند و شنونده نمی‌پذیرد و صحیح نمی‌داند، از من نیست، بلکه از ناقلان گرفته‌ام و همچنان یاد کرده‌ام و برای حفظ امانت، آنچه را شنیده یا خوانده‌ام، عیناً ذکر نموده و قضاوت درباره آن را بر عهده خواننده نهاده‌ام».^۲ معلوم می‌شود این روش با تمام اشکالاتی که بزرگانی چون ابن‌أثیر (وفات ۳۰۰ق) و ابن‌خلدون (وفات ۸۰۸ق) به آن گرفته‌اند،^۳ این فایده را داشت که معیاری عینی برای نقل اخبار بدون دخل و تصرف باشد و نشان می‌دهد که چگونه می‌توان به آنچه هر دسته و قومی حقیقت می‌نامند احترام گذارد. شاید به همین خاطر است که طبری معتقد است که تنها راه اطلاع از اخبار پیشینیان، نقل ناقلان خالی از هرگونه نقد و تحلیل است. اگر از این دیدگاه که طبری به نقل وقایع تاریخی پرداخته، به موضوع نگریسته شود، می‌توان اذعان کرد که هدف از طرح مسئله این نوشتار نیز حفظ همان امانتی است که طبری بدان اشاره می‌کند. با این تفاوت که در پژوهش حاضر سعی شده به شیوه کتابخانه‌ای و تحلیل ذهنی-تطبیقی، مقایسه‌ای میان روایت‌های اسلامی تا قرن هفتم هجری، با پاره‌ای از مهم‌ترین منابع غیراسلامی هم عصر پیشوای های مزبور به عمل آید تا بدون درنظر گرفتن قضاوت‌هایی که انجام خواهد شد، به اعتبار سنجی ارزش هریک از آن روایات پرداخته شود و راه برای تحقیق بیشتر در این زمینه هموارتر گردد.

پیشینه تحقیق

درباره تابعه حمیری کتاب‌ها، مقاله‌ها و مطالب زیادی نوشته شده است. به عنوان مثال اگر در میان منابع متقدم مقایسه‌ای میان روایت طبری^۱ منشول از هشام کلبی^۲ (وفات ۲۰۴ق) با سایر

۱- عبدالحسین زرین کوب (۱۳۸۶)، کارنامه اسلام، تهران: امیرکبیر، صص ۸۴-۹۱؛ سجادی، همان، صص ۵۷، ۱۱۹.

۲- محمد بن جریر الطبری (۱۳۸۷ق/۹۶۷م)، تاریخ الأئمّة والملوک، بتحقيق محمد أبوالفضل ابراهیم، ج ۱، بیروت: دارالتراث، صص ۷-۸.

۳- أبوالحسن عزالدين على بن الأثير (۱۳۸۵ق/۹۶۵م)، الکامل فی التاریخ، ج ۱، بیروت: دارصادر، داربیروت، صص ۲۷۶-۴۱۵، ۴۲۶-۴۲۷. عبیدالرحمن ابن خلدون (۱۴۲۵ق/۲۰۰۴م)، مقدمه /بن خلدون، ج ۱، بتحقيق عبدالله محمد التزویش، دمشق: داری عرب، صص ۹۵-۹۷. الطبری، همان، ج ۲، صص ۹۵-۹۸.

نوشته‌های مؤلفان پرآوازه پیش از وی مانند ابن‌هشام (وفات ۲۱۸ق)،^۱ ابن‌قتبیه دینوری (وفات ۲۷۶ق)،^۲ أبوحنیفه دینوری (وفات ۲۸۳ق)^۳ و پس از طبری چون مسعودی (وفات ۳۴۶ق)،^۴ مقدسی (وفات ۳۵۵ق)،^۵ ابوالفرج اصفهانی (وفات ۳۵۶ق)،^۶ حمزه اصفهانی (وفات ۳۶۰ق)،^۷ بلعمی (وفات ۳۶۳ق)،^۸ ابن‌فقیه همدانی (وفات ۳۶۵ق)،^۹ أبودلف خزرجی (وفات ۳۶۵ق)،^{۱۰} مسکویه رازی (وفات ۴۲۱ق)،^{۱۱} گردیزی (وفات ۴۴۳ق)،^{۱۲} ابن‌بلخی (وفات ۵۱۰ق)،^{۱۳} ابن‌سعید حمیری (وفات ۵۷۳ق)^{۱۴} و یاقوت حموی (وفات ۶۲۶ق)^{۱۵} و همچنین اغلب

۱ هشام کلی (۱۴۲۵ق/۴۰۰م)، *نسب معدو اليمن الكبير*، تحقيق دكترناجی حسن، ج ۲، بيروت: عالم الكتب للطباعة و النشر والتوزيع، ص ۵۴۸.

۲ ابن‌هشام ابومحمد عبدالملك (۱۹۷۹م)، *كتاب التيجان في ملوك حمير*، صنعا: مركز الدراسات والأبحاث اليمنية، صص ۴۸۶-۴۸۵، ۴۵۲، ۴۴۶-۴۴۲، ۴۸۳، ۴۷۲، ۴۵۴-۲۲۲، ۲۴۵، ۲۳۸-۲۲۲.

۳ ابن‌قتبیه عبدالله الدينوری (۱۹۹۲م)، *ال المعارف*، تحقيق ثروت عکاشه، القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب، الطبعة الثانية، صص ۶۳۰-۶۲۹.

۴ أبوحنیفه‌آحمد الدينوری (۳۷۳م)، *الأخبار الطوال*، تحقيق محمد عبد المنعم عام و جمال الدين شیال، قم: الشريفالرضي، ص ۲۸.

۵ ابوالحسن على المسعودی (۱۴۰۲ق/۱۹۸۲م)، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، ج ۲، تحقيق محمد محی الدین عبدالحمید، بيروت: دار المعرفة، ص ۷۶.

۶ مطہرین طاهر المقدسی [ابن تا] [البلد وال تاريخ]، ج ۳، [ابی جا]، بورسید، مکتبة الثقافة الدينية، صص ۱۷۳-۱۷۶.

۷ ابوالفرج على الإصفهانی (۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م)، *الأغانی*، به کوشش سمیر جابر، ج ۲۲، بيروت: دار الكتب العلمية، صص ۳۱۹-۳۱۸.

۸ حمزه بن الحسن الإصفهانی (۱۸۶۶م)، *تاريخ ملوك الأرض*، باهتمام کبیر الدین احمد، کلکته: مظہر العجایب، ص ۱۱۰.

۹ ابوعلی محمد بلعمی (۱۳۷۸م)، *تاریختنامه طبری*، تحقيق محمد روشن، ج ۱، تهران: سروش، صص ۶۸۴-۶۸۱.

۱۰ احمد بن محمد الهمدانی (ابن الفقیه) (۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م)، *مختصر کتاب البلدان*، بيروت: دار احیاء التراث العربي، صص ۲۹۵-۲۹۶.

۱۱ مسترین المهلل الخزرجی أبودلف (۱۹۶۰م)، *الرساله الثانية لأبي دلف مسعربن المهلل الخزرجی*، عنی بنشرها و ترجمتها و تعلیقها بطرس بولغاکوف و انس خادوف، مسکو: دار النشر للآداب الشرقيه، صص ۴۰-۳۹.

۱۲ ابوعلی مسکویه الرازی (۱۳۷۹م)، *تجارب الأمم*، تحقيق ابوالقاسم امامی، ج ۱، تهران: سروش، طبعة الثانية، صص ۱۷۵-۱۷۹.

۱۳ ابوسعید عبدالحی بن ضحاک گردیزی (۱۳۶۳م)، *تاریخ گردیزی*، تحقيق عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب، صص ۵۶۰-۵۶۱.

۱۴ ابن‌بلخی (۱۳۳۹م/۱۹۲۱م)، *فارس نامه*، به سعی و اهتمام و تصحیح گای لسترنج و رینولد آلن نیکلسون، کمبریج: دار الفنون، ص ۸۵.

۱۵ الحمیری (۱۴۲۰ق/۱۹۹۹م)، همان، ج ۲، صص ۷۱۷-۷۱۴؛ همان (۱۴۳۰ق/۲۰۰۹م)، *ملوك حمير و اقبائل اليمن*، تصحیه نشوان بن سعید الحمیری (المتوفی سنة ۷۵۵ق) و شرحها المسمی خلاصة السیرة الجامعۃ لعجائیب اخبار الملوك التیابعۃ، تحقيق علی بن اسماعیل المؤذن و اسماعیل بن احمد الجرافی، صنعا: مکتبة الإرشاد، صص ۴۳، ۸۸-۹۵، ۱۱۷-۱۱۸، ۱۴۵-۱۴۰، ۱۲۲-۱۲۰، ۱۵۹-۱۵۸.

۱۶ یاقوت الحموی (۱۹۹۵م)، *معجم البلدان*، ج ۲، بيروت: دار صادر، صص ۱۰-۱۱.

متا خرانی همچون بارتولد،^۱ ناجی،^۲ حاج منوچهري،^۳ عنایت الله رضا،^۴ ستار عودي،^۵ بارتولد و باسورث^۶ به عمل آيد، معلوم خواهد شد که همه اين آثار يا جداگانه بهميان موضوع پرداخته اند يا فصلی را به تاريخ تابعه، حمير و مشقفات آن از جمله تبع، تبت و... اخصاص داده اند. به رغم همه اين تحقیقات، هنوز چگونگی روند پیشروی نظامی تبعان به ایران، چين و تبت در هاله اي از ابهام قرار دارد. به طور کلى تأثير گذار ترين عامل تمایز ديدگاه تاريخ نگاران در اين گونه روایات، اختلاف ديرین عرب عدناني با قحطانيان است^۷ که برای ارائه تحليل بهتر از آن، می توان به مطالعه اي تطبیقي ميان روایت طبری و دیگر منابع اسلامی تا قرن هفتم هجری و سایر منابع غير اسلامی مبادرت ورزید.

بيان مسئله

در بررسی تهاجم نظامی برخی ملوک تابعه به ایران، تا مرزهای تبت و چين در عصر قباد اوّل ساساني، به دلیل اختلاف بسیار روایت های نقل شده، ابتدا چگونگی روند این رویداد به شکلی جداگانه مورد بررسی قرار می گیرد تا به کمک دیگر منابع اسلامی پيش از قرن هفتم هجری و مطابقت آنها با برخی از مهم ترین منابع غير اسلامی هم عصر قباد، تحليل بهتری از يك سلسله روابط سياسي ميان عرب های هم روزگار وی به دست آيد. از آنجا که برخی معتقدند، پیش روی نظامی تابعه به ایران تا مرزهای چين در تبت، افسانه هايی است که عرب های جنوبي ساخته اند،^۸ تحقیق حاضر بر آن است تا نشان دهد آن بخش از روایت

۱ بارتولد، و [ابي تا]، «التبت»، دائرة المعارف الإسلامية (أصدر بالألمانية والإنجليزية والفرنسية واعتمد في الترجمة العربية على الأصلين الإنجليزي والفرنسي)، مترجمان مقالات به عربى: احمد شناوى، ابراهيم زكي خورشيد، عبدالحميد يونس و جلال حافظ، ج ۴، تهران: انتشارات جهان (بوزر جمهري)، صص ۵۳۵-۵۳۰.

۲ ناجي، ج ۱۴، صص ۲۴۲-۲۴۳.

۳ فرامرز حاج منوچهري (۱۳۸۵)، «تبع»، دائرة المعارف بزرگ اسلامي، زیرنظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۱۴، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامي، صص ۴۸۹-۴۹۶.

۴ عنایت الله رضا (۱۳۸۵)، «تبت»، دائرة المعارف بزرگ اسلامي، زیرنظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۱۴، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامي، صص ۴۰۹-۴۱۵.

۵ ستار عودي (۱۳۸۰)، «تبع»، دانشنامه جهان اسلام، زیرنظر غلامعلی حداد عادل، ج ۶، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامي، صص ۴۳۷-۴۳۹.

6 Bartold, W. and Bosworth, C.E. (2000), "TUBBAT", in The Encyclopaedia of Islam, Leiden: Brill, vol.X, pp.576-578.

۷ جواد على، ج ۲، ص ۵۱۵.

۸ عبدالعزيز سالم [ابي تا]، تاريخ العرب في عصر العجماء، بيروت: دار النهضة العربية، ص ۱۴۴-۱۴۵؛ توفيق برو

طبری و دیگر منابع اسلامی تا قرن هفتم هجری مبتنی بر استمداد حارث بن عمرو کنده از برخی تبعان مذکور در آن روایت، به هدف حمله نظامی به قسمت‌های غربی ایران - در حیره تا تیسفون مدائی دوره قباد - صحیح به نظر می‌رسد^۱ ولی با جستجو در منابع غیراسلامی هم عصر آن روزگار، روش گردید که بخش دیگری از این رویداد که ناظر بر پیشروی برخی ملوک تابعه تا مرزهای چین و تبت است، با تردید بسیار مواجه است.

روایت طبری از پیشروی نظامی تابعه به ایران تا مرزهای تبت و چین

بر اساس روایتی از طبری، وقتی حارث بن عمرو کنده^۲ موفق شد بر ناحیه حیره متعلق به متصرفات آل منذر که خود دست‌نشانده ساسانیان^۳ بودند، مسلط شود: «به تبع یمن نامه نوشت که سپاه فراهم کن و به حیره بیا که دولت ایران بی دفاع است. تبع نیز آمد و حیره را تصاحب نمود و شمردوالجناح، برادرزاده‌اش را برای جنگ با قباد به ری فرستاد و آنگاه که شمر از شکست قباد و قتل وی فارغ شد با کسب تکلیف از تبع به خراسان رفت و سعی نمود هر قدر از چین را که گرفت، از آن خود گرداند. تبع پسری نیز داشت بهنام حسان، او را از طریق دریای عمان به چین اعزام نمود. هنگامی که شمر از جیحون گذشته و به سمرقد و چین وارد شد، حسان^۴ را در آنجا یافت که آن سرزمین را سه سال زودتر تصاحب نموده است».^۵

از انتباط روایت طبری با سایر منابعی که درباره پیشروی تابعه به ایران، چین و تبت سخن گفته‌اند، چنین برمی‌آید که علت این تاخت و تازها و تبدیل عراق به پایگاهی نظامی دومنظوره دریایی-زمینی (بندر بصره و حیره) ناارامی‌های به‌وقوع پیوسته در بخش‌هایی از آن

۱ (۱۴۲۸ق/۷۰۰م)، *تاریخ العرب القديم*، لبنان: دارالفنون، ص ۸۳.

۲ نینا ویکتورونا پیگولوسکایا (۱۳۷۲)، *عرب حمود مرزهای رومشرقی و ایران در سده‌های چهارم-ششم میلادی*، ترجمه عذایت‌الله رضا، تهران: مؤسسه‌مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ص ۱۷۱-۱۷۲.

۳ به نظر می‌رسد، این حارث بن عمرو بن حجرین آکل المرار الکنده که برخی وی را نوہ دختری (سبط) «حسان بن تبع» حمیری نیز معروف کرده‌اند (نک: ابن هشام، همان، ص ۳۱۰؛ عبدالرحمن بن محمد بن خلدون ۱۹۸۸ق/۰۸م)، *العرب و دیوان المبتدأ والخبر فی أيام العرب والبیر و من عاصرهم من ذوى السلطان الأکبر*، تاریخ ابن خلدون، تحقیق خلیل شجاده، ج ۲، بیروت، دارالفنون، طبعة الثانية، ص ۳۲۷، احتمالاً از گماشتنگ تحت فرمان «تبع بن حسان بن تبع»، آخرين تبع از ملوک تابعه بوده و از جانب او به امارت قبایل معد (ساکن سواد) تعیین و روانه عراق شده است؛ نک: الطبری، همان، ج ۲، ص ۸۹-۹۰؛ الإفهانی (۱۸۶۶م)، همان، ص ۱۳۱؛ پیگولوسکایا (۱۳۷۲)، همان، ص ۳۰۶.

۴ اصفهانی (۱۸۶۶م)، همان، ص ۱۴۰.

۵ Hassān ibn al-Tubba' As'ad Abī Karīb, Born: ca. 400 CE, Died: ca. 450 CE; v. https://en.wikipedia.org/wiki/Abu_Karib; last edited on 16 September 2019, at 01:24 (UTC).

۶ الطبری، همان، ج ۲، ص ۹۵-۹۸؛ بلعمی، همان، ص ۶۸۴-۶۸۱.

مناطق بوده که برخی فرمانروایان ممالک همچووار، از جمله تبعان یمن را به دست یابی در اهداف هرچند موقت، به طمع اندخته است. در این عملیات، فرماندهی کُل تابعه را «أبوکرب أَسْعَد»^۱ و نیروی دریابی را «حسان بن أَسْعَد»^۲ بر عهده داشتند که حسان از جانب پدر به دریای عمان و عرب و دو فرمانده نیروهای زمینی، «عفربن أَسْعَد» و «شمرذوالجناح» - به ترتیب فرزند و برادرزاده أَسْعَد - یکی به روم^۳ و دیگری به غرب عراق تا مرزهای خراسان ایران در چین و تبت اعزام شده‌اند.^۴

لازم به توضیح است که در مورد به قتل رسیدن قباد توسط شمر ذوالجناح در ری، در میان منابع اختلاف وجود دارد. به عنوان مثال، برخی صراحتاً به قتل قباد اشاره کرده‌اند.^۵ برخی این موضوع را مردود اعلام کرده‌اند،^۶ برخی به مرگ طبیعی قباد پس از یک دوره بیماری اشاره کرده‌اند^۷ و عده‌ای نیز اگرچه جانشین گزینی قباد را درباره خسرو انشیری وان متذکر شده‌اند، اماً یا اصلاً به عاقبت خود قباد اشاره ننموده، یا تنها از مرگ همراه با هلاکت یا خواری او یاد کرده‌اند.^۸ با این همه، در هیچ یک از منابع هم‌عصر و مرتبط با دوران حکمرانی قباد و

۱ Abu Karab As'ad؛ دوران حاکمیت این پادشاه حدود ۴۲۰-۲۸۵ م. تخمين خورده است؛ جرجی زیدان [ای‌تا]، العرب قبل الإسلام، قاهره: دارالهلال، ص ۱۴۳؛ طبری از قول ابن إسحاق اصرار دارد که از میان تابعه آن کسی که به شرق لشکرکشیده، تُّبع تبان أَسْعَد أبوکرب بن ملک یکرب بن زید بن عمرو ذی الاذعار معروف به أبوحسن است؛ الطبری، همان، ص ۹۸.

۲ حدود ۴۲۰-۴۲۵ م؛ زیدان، همان، ص ۱۴۳.

۳ ظاهراً این «روم» یا «رومیه» یا «رومگان» یا «رومیکان» جزو شهرهایی بوده که به دستور اردشیر بابکان (۲۲۶-۲۴۱ م) در مناطق سرحد ایران و روم بنا شده است؛ از گزارش پیگولوسکایا درباره این که: «به هنگام پادشاهی خسرو اول انشیری وان اندکی دورتر از سلوکیه در ناحیه رومیکان شهری جدید بنا گردید که اسیران چنگی ناچیه انطاکیه را در این شهر جای دادند»، معلوم می‌شود، رومگان، سال‌ها پیش از انشیری وان مشابه شهرهای بیزانسی با حمام و میدان‌های بازی بهزینه شاه ایران ساخته شده است؛ نک: نینا ویکتورونا پیگولوسکایا (۱۳۶۷)، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، صص ۲۲۴ و ۲۲۷-۲۲۶.

۴ الحمیری (۱۴۳۰/۱۴۰۹ م)، همان، ص ۱۵۹؛ ابن بلخی، همان، ص ۸۵؛ ابن هشام، صص ۴۸۵-۴۹۰.

۵ نک: ابن هشام، ص ۴۸۵؛ الحمیری (۱۴۳۰/۱۴۰۹ م)، صص ۱۵۸-۱۵۹؛ مسکویه الرازی، همان، ج ۱، ص ۱۷۷.

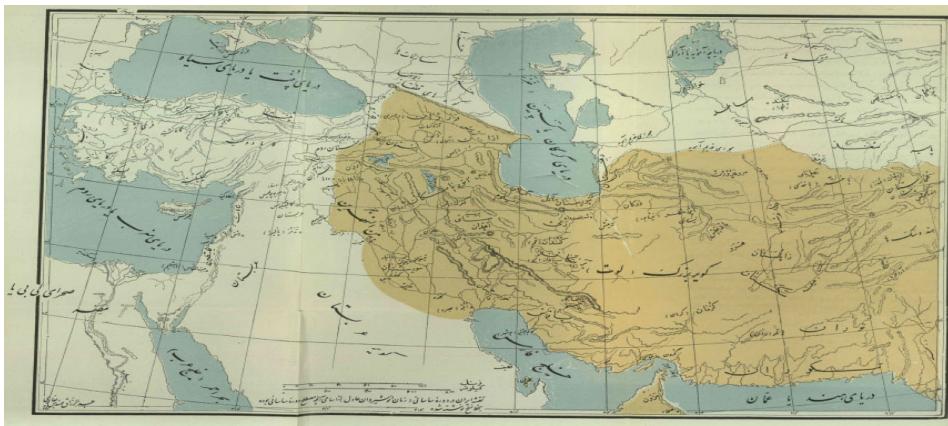
۶ نک: ابن الأئیر، همان، ج ۱، صص ۴۲۲-۴۲۱؛ تیودور نولدکه (۱۳۵۸)، تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان، ترجمه عباس زریاب خوئی، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، صص ۲۵۱-۲۵۰.

۷ نک: پروکوپیوس (۱۳۳۸)، جنگ‌های ایران و روم، ترجمه محمد سعیدی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۱۰۷؛ ابن حبیب، همان، ص ۳۶۹؛ پیگولوسکایا (۱۳۷۲)، ص ۲۱۲، بهنگل از:

S. H. Taqi-Zadeh (1937), *Some Chronological Data relating to the Sassanian Period*, Bulletin of the School of Oriental and African Studies, t. IX, p. 125.

۸ ابن البلخی، همان، ص ۸۷-۸۸؛ نهایة الأرب فی أخبار الفرس و العرب (۱۳۷۵)، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، تهران: انجمن آثار و مقاشر فرهنگی، ص ۳۰؛ ابومنصور عبدالملک بن محمد الشاعلی النیشابوری (۱۳۴۱/ش ۹۶۳)،

تاریخ ساسانیان، به روایت قتل قباد اشاره نشده است و همچنان که افرادی مانند پروکوپیوس نیز متذکر شده‌اند، مرگ وی به دلیل بیماری در اثر کهولت سن وی ثبت گردیده و حتی پیش از مرگ خود در نامه‌ای وضعیت جاشین خویش را مشخص کرده است.^۱



تصویر ۱. نقشه ایران عصر ساسانیان^۲

هجوم تُّبع و برخی قبائل یمنی به ایران، تبت و چین از طریق پایگاه زمینی عراق

به احتمال زیاد، برگزیدن ناحیه حیره عراق برای لشکرکشی أبوکرب أَسْعَد و اسکان لشکریان فرزندش حسان و سایر خویشاوندان وی چون شمرذوالجناح و دیگر قبایل یمنی همراه نمی‌تواند بدون ارتباط با حضور یکی از شاخه‌های قبیله «طیء»^۳ به نام شمریون و مداخله آنان صورت گرفته باشد. از این‌که زرکلی، جَد بزرگ قبیله طیء در جاهلیّت را مسوب به شمریون^۴

۱ تاریخ غرر السیر المعروف بكتاب غرر أخبار ملوك الفرس و سیرهم، تهران: مکتبة الأسدی، ص ۶۰۳.
پروکوپیوس، همان، صص ۱۰۷-۱۰۶.

۲ نک: حسن پرنیا (۱۳۰۸)، ایران قدیم یا تاریخ مختصر ایران تا انفراض ساسانیان، طهران: مطبعة مجلس، ص ۲۱۶.
۳ قبیله «طیء» به فتح طاء و تشید یاء و همزه اصلی به وزن «فَيَعْلُ» و اسم منسوب «طائی»، نام یکی از قبایل عرب جنوبی ناحیه حرف یمن است؛ أبوالعباس أحمد قلقشندي ایتیتا، نهایة الأرض في معرفة أنساب العرب، بیروت: دار الكتب العلمية، ص ۲۹۷؛ محمد بن مکرم بن منظور (۱۴۱۴ق/۱۹۹۴م)، اسان العرب، ج ۱۵، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع-دار صادر، ص ۲۱؛ قس: ابن الأثیر، همان، ج ۱، ص ۳۵۴.

۴ خیرالدین الزركلی (۹۸۹م)، الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال والنماء من العرب والمستعربين والمستشرقين، ج ۳، بیروت: دار العلم للملايين، ص ۱۷۶.

دانسته، معلوم می‌شود تعدادی از افراد قبیله طیء (شمیریون) پس از حادثه ویرانگر سیل عمر^۱ در فاصله دو کوه معروف به آجا و سلمی نزدیک منطقه فید واقع در میانه راه حاجیان کوفه به مکه سکنی گزیده‌اند^۲ که این سرزمین با ناحیه حیره عراق مطابقت دارد. مؤید این دیدگاه سخنان طبری است در آنجا که می‌نویسد: «وقتی تُّبَّعَ، تبان أَسْعَدَ كَهْ نَامَشْ أَبُوكَرْبَ بَوْدَ بَهْ پَادِشَاهِ رَسِيدَ وَ اَزْ يَمِنَ بَهْ رَاهِيَ كَهْ رَائِشَ رَفَّهَ بَوْدَ سَوَى كَوْهْسَتَانَ قَبِيلَهَ طَيَءَ رَفَتَ وَ اَزْ آنجَا قَصْدَ دَاشَتَ بَهْ اَنْبَارَ رَوَدَ وَلِيَ چُونَ شَبَ بَهْ حِيرَهَ رَسِيدَ، بَهْ حِيرَتَ اَفْتَادَ، سَاكِنَ آنجَا گَرَدِيدَ وَ نَامَ حِيرَهَ بَهْ وَجُودَ آمدَ. پَسَ اَزْ آنَ رَفَتَ وَ گَرَوْهِيَ اَزْ قَبَائِلَ اَزْدَ وَ لَخَمَ وَ جَنَامَ وَ عَامِلَهَ وَ قَصَاعِهَ رَأَهْ بَهْ جَا گَداشتَ كَهْ بَنَا سَاختَهَ وَ اَقَامَتْ گَزِيدَهَ وَ بَعْدَ مَرْدَمِيَ اَزْ قَبِيلَهَهَيَ طَيَءَ وَ كَلَبَ وَ سَكُونَ وَ بَلْحَارَثَ بَنْ كَعْبَ وَ اِيَادَ بَهْ آنَهَا پَيوسَتَهَ بَوْدَنَدَ». ^۳ یا در آنجا که از موسی بن طلحه روایت می‌کند: «وقتی تُّبَّعَ وَ هَمَراهِيَانِشَ بَهْ سَهْولَتَ اَزْ دِيَارَ عَربَ گَدِشَتَهَ، بَهْ كَوْفَهَ رَسِيدَهَ وَ بَهْ حِيرَتَ اَفْتَادَنَدَ وَ اَيْنَ گُونَهَ نَامَ (شَهْر) حِيرَهَ بَهْ وَجُودَ آمدَ؛ آنَگَاهَ كَهْ اَزْ سَيرَ در زَمِينَ بازِمَيَ گَشَتَ، مَشَاهِدَهَ نَمُودَ اَزْ هَمَهَ قَبَائِلَ عَربَ مَانِدَ بَنْلَهِيَانَ وَ هَذِيلَ وَ تَمِيمَ وَ جَعْفَريَ وَ قَبِيلَهَ طَيَءَ وَ كَلَبَ در آنجا بَنَا سَاختَهَ وَ مَقِيمَ گَشَتَهَ اَنَّدَ». ^۴ می‌توان احتمال داد که برخی افراد قبیله طیء پس از شمری‌ها در ناحیه عراق را به اردواگاهی نظامی مبدل ساخته‌اند تا از آنجا به منظور پایگاه لشکرکشی به سرزمین‌هایی چون تَبَّتَ و چین استفاده کنند. علاوه بر این، وقتی که أبوالدف، سفرنامه‌نویس قرن چهارم هجری قمری درباره بیرون کشیدن گنجی پنهان از محل کاخی واقع در میانه راه طوس- نیشابور توسط «أسعد بن أبي يعْفَر» پادشاه کهلازن زمان خود، به نقل از مردم آنجا تصريح می‌کند: «یکی از تابعه... هنگامی که از یمن به قصد چین می‌رفت، چون بدانجا رسید صلاح در آن دید

۱ قرآن مجید، سوره سبأ، آیات ۱۵-۲۱؛ تخمین زمان وقوع این حادثه به درستی معلوم نیست، زیرا ستد مأرب از آنگاه که در نیمه‌های سده هفتم با هشتم پیش از میلاد بنیاد گرفت تا آن‌گاه که پس از روزگاری دراز در سال ۵۴۳م. برای آخرین بار بازسازی شد، چندین بار دست‌خوش شکستگی و ویرانی گردیده است؛ محمد بی‌سومی مهران (۱۳۸۳)، بررسی تاریخی قصص قرآن، ترجمه سید محمد راستگو، ج ۱، تهران: علمی و فرهنگی، ص ۲۸۸ به نقل از: Hommel,

F (1926), Grunvis der Geographie und Geschichte des Alten Orient, Munchen, p. 109.

۲ ابن الأثير، همان؛ ابن هشام، همان، ص ۵۰۰؛ الحموي، همان، ج ۴، ص ۲۸۲؛ ابن خلدون (۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م)، همان، ج ۲، ص ۲۷-۲۸.

۳ رائش، جـة بـزرـگ مـلـوـك تـابـعـه مـعـرـفـي شـدـه اـسـتـ؛ ابن خـلـدونـ، هـمـانـ، جـ ۲ـ، صـ ۵۴-۵۵ـ، ۵۸ـ؛ ابن هـشـامـ، هـمـانـ، صـ ۴۴۹-۴۵۰ـ.

۴ الطبری، همان، ج ۱، ص ۵۶۶-۵۶۷ـ.

۵ الطبری، همان، ج ۱، ص ۵۶۷ـ.

که خانواده و گنجینه‌ها و ذخیره خواربار خود را در محل امنی بگذارد و خود رهسپار شود...»^۱، معلوم می‌شود، هر چند ابودلف ذکر این موضوع را نشانه‌ای از حرکت تابعه در ایران تا محدوده سمرقند تلقی نموده است، لیکن به نظر می‌رسد بیان این مطلب عمده‌ای به حسن میهن پرستی او باز می‌گردد تا ذکر یک واقعیت تاریخی.^۲

پیشروی از طریق پایگاه دریایی عراق (بندر اُبله و بصره به دیبل)

تئوفراستوس^۳ شاگرد افلاطون و ارسسطو^۴ ضمن گفتار خود درباره سرزمین یمن، از سبائیان به عنوان جنگجویان، کشاورزان و بازارگانانی یاد کرده که با کشتی‌ها و زورقهایی از جنس پوست به مقصد تجارت در پنهانه دریاها به کشتی‌رانی پرداخته‌اند.^۵ از اینکه مؤلف کتاب گردشی پیرامون دریای اریتره^۶ تأکید می‌کند که رومیان با پادشاه حمیر حاکم بر مناطق گسترده‌ای از سواحل عربستان جنوبی متصل به دریای احمر و ساحل اقیانوس هند تا حضرموت و ساحل عازانیا^۷ در افریقیه، معاهدات دوستانه‌ای بسته‌اند،^۸ معلوم می‌شود امپراتوری روم نیز نیروی دریایی حمیریان را کاملاً به رسمیت می‌شناخته است. درباره یکی از همین دریانوردها، از گزارش صریح سنگ‌نبشته‌ای به نشانی CIH407^۹ که در آن آمده: «تُّبْ، شمریه‌رعش حمله‌ای نظامی را به سوی برخی قبایل عسیر و تهame^{۱۰} تا ساحل دریای سرخ تدارک دیده و بر آن‌ها فائت آمده و سپس در دریا به تعقیب و گریز پرداخته و در دل آن نبردهایی به راه انداخته و صدمات ناگواری بر ایشان وارد آورده»،^{۱۱} می‌توان استنباط کرد که نیروی دریایی حمیریان

۱ ابودلف (۱۹۶۰)، همان، صص ۳۹-۴۰.

۲ مسخر بن مهلل خزرجی ینبوی ابودلف (۱۳۴۲)، سفرنامه ابودلف در ایران، با تعلیقات و تحقیقات ولادیمیر مینورسکی، ترجمه سید ابوالفضل طباطبایی، تهران: فرهنگ ایران زمین، ص ۱۴۰.

۳ Theophrastus (371-287 B.C.).

۴ Aristotle & Plato.

۵ ژاکلین بیرین (۱۹۶۳)، *اكتشاف جزيرة العرب، نقله الى العربية قدرى قلعجي*، بيروت: دارالكاتب العربي، ص ۲۹.

۶ Periplus Maris Erythraei.

۷ Azania.

۸ جواد علی، همان، ج ۲، ص ۵۱؛ همان، ج ۳، ص ۴۵.

۹ نک: جواد علی، همان، ج ۲، صص ۵۴۱-۵۴۲.

۱۰ تهame سرزمینی است در یمن که در غرب به دریای قُلَزم (سرخ)، در شرق به ناحیت صعده و نجران، در شمال به مکه و در جنوب به صنعاء محدود می‌شود؛ نک: ابراهیم بن محمد اصطخری [بی‌تا]، *المسالك والممالك*، بتحقيق ابویزید احمد بن سهل، بیروت-لبنان: دارصادر، ص ۲۳.

۱۱ جواد علی، همانجا.

چنان نیرومند بوده که بارها رومی‌ها را وادار به پاکسازی دریای احمر از وجود قراصنه ایشان نموده است.^۱

یکی از منابع تبّتی راههای اصلی متنهای به آن کشور را در نسخه‌ای خطی ناشناس، این گونه معزّقی می‌کند: «در باره راههای متصل به تبت منبع دیگری که خوشختانه در یکی از نسخه‌های خطی کتابخانه بودلین^۲ محفوظ مانده، اثری کیهان‌شناسی با عنوان کتاب کنجکاوی‌هایی در علوم و شگفتی‌هایی برای چشم^۳ است که توسط نویسنده‌ای گمنام - احتمالاً کسی که در کار تجارت مصر (میان سال‌های ۱۰۵۰-۱۰۲۰م)^۴ شرکت داشته - نوشته شده است. از مباحثت بسیار ارزشمند کتاب، متنی متضمن نقشه راهی از (بندر) دیبل^۵ به دروازه چین، به عنوان یکی از ایستگاههای ورودی، تبت است». لذا می‌توان آشکارا به وجود راهی که از آن بندر به دروازه چین و تبت متصل بوده بُرد. ظاهرآ استیلای نظامی هرچند موقت برخی تبعیه حمیری عصر قباد اول ساسانی بر راههای دریایی حدّ فاصل بندرهای بصره و ابله عراق تا ساحل بندر دیبل در دریای عرب و کرانه غربی رود سند، نشانه خوبی برای احتمال غیرممکن نبودن پیمودن راه دریایی توسط حسان بن ثعبَّع مذکور در روایت طبری به نظر می‌رسد.

تبّعی شدن تبتیان

در خصوص موضوع عربی شدن جامعه تبت پیش از اسلام، دینوری درباره منشأ تبّعی بودن تبّتی‌ها این گونه گفته است: «تبّع به ناحیه تبت رسید و شهری ساخت و سی‌هزار مرد از یاران خود را در آنجا سکونت داد و آنان تا به امروز در هیأت عرب‌هایی هستند که چون

۱ به عنوان نمونه در یکی از نبردها قراصنه، یعنی نزدیکی دریایی حمیری الاصل اهل یمن، شکست مصیبتباری در سال ۲۴ق.م بر آئیوس گالیوس حاکم رومی الاصل ناحیه مصر وارد آورده‌اند که در تاریخ شهرت زیادی پیدا کرده است؛ نک: سالم، صص ۱۴۰-۱۴۱.

۲ Bodleian Library at Oxford University

۳ *The Book of Curiosities of the Sciences and Marvels for the Eye*; v. Akasoy, Anna et al.(2011).Islam and Tibet-Interactions along the Musk Routes, England and USA: Ashgate Publishing Limited and Company, p. 26

۴ مطابق با ۴۱۱-۴۴۲ق.

۵ دیبل به فتح دال و سکونی و ضمّ ب، شهرک کوچک بسیار گرمی بر کناره رود سند (حوالی کراچی پاکستان کنونی) که کجد آن بسیار است و خرما از بصره به آن جا می‌برند و کالاهای دیبلی می‌آورند؛ عmad الدین اسماعیل ابوالفالدا (۱۳۴۹)، *تقویم البلدان*، ترجمه عبدالمحمّد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، صص ۳۹۶-۳۹۷.

۶ Akasoy, ibid.

ایشان زندگی می‌کنند و تُبعی به شمار می‌آیند^۱. طبری نیز چنین بازگو می‌کند: «به پندرار یمنیان، رفت و برگشت و اقامات تُبع (أبوکرب تبان أسعده) به چین هفت سال بود و دوازده هزار سوار از حمیر در آنجا به جای نهاد که اهل تبت از آن‌ها بیند و هم‌اکنون خویشتن را عرب شمارند و خوی و رنگ عرب دارند»^۲. مسعودی نیز نوشته است: «أَسْعَدُ أَبُوكَرْبَ قَوْمٌ خَوِيْشَ رَابِّهِ خَرَاسَانَ وَ تَبَّتْ وَ چَيْنَ وَ سَيْسَتَانَ اعْزَامَ كَرَدَ وَ تَبَّيَانَ بِهِ رُوزَگَارِ قَدِيمٍ پَادِشاَهَانَ خَوِيْشَ رَابِّهِ بِهِ پَيْرَوِيِّ ازْ مَلُوكِ يَمَنِ، تُبَّعَ مِنْ نَامِيدَنَدِ، تَا اِينَ كَهْ حَوَادِثَ زَمَانِ، گَوِيشَ اِيشَانَ رَا اِزْ حَمِيرِيِّ بِهِ زَبَانَ اقوَامَ مجاورِ مَتَحُولَ سَاختَ وَ سَبَبَ گَرَديَدَ كَهْ شَاهَانَ خَوِيْشَ رَا خَاقَانَ بنَامِندِ»^۳. با استناد به سرودهای دعبدل خزاعی (وفات ۲۴۶ق) خاطرنشان می‌شود: «سَرَزَمِينَ تَبَتْ بِهِ اَعْتَبارَ كَسِيَ كَهْ تَعْدَادِي اِزْ حَمِيرِيَانَ رَابِّهِ جَائِيَ دَادَنَ درَآنَ، ثَابَتَ وَ مَحْكَمَ گَرَدانِيدَ، ثَبَتَ (وَ بَعْدَهَا تَبَتْ) نَامِيدَهَ شَدَ وَ فَرَزَنْدَ خَزَاعَيِّ درَهَمِينَ رَابِطَهِ قَصِيدَهَايِ رَا درَ هَجَوَهَويَتَ نَزَارَى گُميَتَ^۴ وَ افْتَخَارَ بِهِ قَحْطَانِيَ بُونَ خَودَ سَرَوَهَ است: حَمِيرِيَانَ هَمَانَ كَسانِيَ هَسْتَنَدَ كَهْ بَرِ درَوازَهَهَايِ مَرَوَ وَ چَيْنَ، كَتِيبَهَهَايِ رَا ثَبَتَ كَرَدَنَدَ زَيرَأ خَطَنَوِيسَانَ مَاهِرَ نَيْزَ هَمَانَهَا بُونَدَنَدَ وَ اِيشَانَ هَمَانَهَايِانَدَ كَهْ تَيرَهَايِ خَودَ رَا بِهِ طَرَفَ سَمَرَقَنْدَ نَشَانَهَ رَفَتَنَدَ وَ رَيْشَهَ هَسْتَيَ وَ بَنِيَادَ تَبَّيَانَ رَا درَ آنجَا كَاشَتَنَدِ»^۵. نَقلَ قولَهَايِ مَقْدَسِيِّ درَ زَمِينَهَ حَاكِي اِزْ آنَ استَ كَهْ: سَالَهَا تُبَّعَ جَنَگَ نَمِيَ كَرَدَ وَ مَرَدمَ حَمِيرَ اوِ رَا موَثَبَانَ^۶ نَامِيدَهَ بُونَدَنَدَ وَ اوِ درَ خَشَمَ شَدَ وَ شَروعَ بِهِ جَنَگَ كَردَ وَ تَا چَيْنَ پَيْشَرَوِيَ نَمُودَ وَ مَرَزَبَانَانِيَ درَتَبَتَ بِهِ جَانَشِينِيَ خَوِيْشَ نَهَادَ وَ نَزَادَ اِيشَانَ هَمَانَهَايِ درَ آنجَاينِدِ»^۷. گَزارَشَ اِبنَ قَيْمَهَهَمَدَانِيَ، بِهِ نَقلَ اِزْ اَصْمَعِي درَبارَهِ بَنَايِ شَهَرَ

۱ الدينوري (۱۳۷۳)، همان، ص ۲۸؛ اِبن هَشَام، هَمَانَ، صص ۴۴۵-۴۴۶.

۲ الطبری، هَمَانَ، ج ۱، ص ۵۶۶؛ هَمَانَ، ج ۲، ص ۹۸.

۳ الطبری، هَمَانَ، ج ۱، صص ۵۶۷-۵۶۸؛ قَسْ: اِبن هَشَام، هَمَانَ.

۴ المسعودی (۱۴۰۲ق/۱۹۸۲م)، هَمَانَ، ج ۱، صص ۱۵۷-۱۵۸.

۵ گَميَتِينَ زَيَادَسَدِيِّ (وفات ۱۲۶ق)، در قَصِيدَهَايِ سَيِّدَهَ بيَتِي بِهِ نَامَ «الْمَذَهَبِيَّةِ»، هَمَهَهَ قَبَابِيلَ يَمَنِيَ رَا مَذَقَتَ كَرَدهَ وَ بِهِ فَضَائِلَ وَ مَنَاقِبَ اَهْلِ بَيْتِ عَصْمَتَ وَ طَهَارَتَ(ع) پَرِداَخَتَهَ است: عبدَالحسِينَ اَحْمَدَ اَمِينَيَ نَجَفِيَ (۱۴۳۰ق)، مَوسَوِيَةِ الْغَدِيرِ فِي الْكِتَابِ وَ السَّنَةِ وَ الْأَدَبِ، ج ۲، قَمَ: مؤَسِسَةِ دَكْرَةِ الْمَعَارِفِ الْفَقِيهِ الْإِسْلَامِيِّ، ص ۲۸۸؛ الحَمِيرِيَ (۱۴۲۰ق/۱۹۹۹م)، هَمَانَ، ج ۲، ص ۷۱۵.

۶ وَ هَمَ كَتَبُوا الْكِتَابَ بَبَابَ مَرْءَوِ... وَ بَابَ الْصِينِ كَانُوا الْكَاتِبِينَا... وَ هَمَ سَمَوا السَّهَامَ بِسَمَرَقَنْدِ... وَ هَمَ غَرَسُوا هَنَاكَ التَّبَيِّنَا...»؛ المسعودی (۱۴۰۲ق/۱۹۸۲م)، هَمَانَ، ج ۱، ص ۱۵۸؛ هَمَانَ، ج ۳، صص ۲۴۲-۲۴۶؛ دعبدل خَزَاعَيِّ (۱۹۶۲م)، دِيَوَنَ، تَحْقِيقِ مُحَمَّدِ يُوسَفِ نَجَمَ، قَصِيدَهَ ۲۰۴، بِيَرُوت: دَارُ الشَّفَافَةِ، ص ۴۸.

۷ موَثَبَانَ بِهِ زَبَانَ حَمِيرَ يَعْنِي نَشَستَهَ؛ المَقْدَسِيُّ، ص ۱۷۶ وَ در فَرَهَنَگِ قَرَآنِ اِزْ آنَ بِهِ قَاعِدَ (در هَمَانَ معَنَا) تَعبِيرَ شَدَهَ است؛ نَكَ: سُورَةُ النَّسَاءِ، آيَهَ ۹۵؛ سُورَةُ الْمَائِدَةِ، آيَهَ ۲۴؛ سُورَةُ التُّوْرَةِ، آيَهَ ۴۶ وَ ۸۶؛ سُورَةُ يُونَسَ، آيَهَ ۱۲؛ سُورَةُ الْجَنِّ، آيَهَ ۹.

۸ المَقْدَسِيُّ، هَمَانَ، صص ۱۷۶-۱۷۸.

تبّت توسيط تُّبع و ناتوانی تعدادی از نیروهای وی از ادامه مسیر باقیمانده تا چین حاکی از آن است که تبیان تا زمان او بهشیوه عرب‌ها زندگی می‌کردند و بر کتبیه دروازه تبّت به خط حمیری نوشته بودند: از این شهر تا صنعا هزار فرسنگ است.^۱ روایت گردیزی (وفات ۴۴۳ق.) در ذیل معرفی تبّت عبارت است از: «اما تبّت را سبب آن بود که مردی از معروفان حمیر بود...»^۲ و به پادشاهی یافتن ثابت، از جمله معتمدان ملوک یمن در تبّت اشاره می‌کند.^۳ یاقوت حموی نیز یادآوری می‌کند: «تبّت، به خاطر کسی که در آن ثابت شد و مردان حمیر را نیز در آن تشییت نمود، تبّت نام گرفت ولی بهدلیل این که در واژگان عجم، ثاء وجود نداشت، تبّت به تبّت تبدیل شد»^۴ و همچنین ضبط نام تبّت در نوشته‌های سلیمان تاجر (۲۲۷ق.)^۵ و بنیامین طپلی (۱۱۷۲ق/۱۱۶۵م)^۶ به‌شکل «تبّت» یا «تبّت» (Tubet)^۷ و إلْقَائِی فرضیه «مشتبه شدن لفظ تبّت با دو واژه «ثابت» و «تُّبع» در افکار بعضی محققان چون بارتولد^۸ موجب شده است از گذشته‌های بسیار دور، داستان‌های متعددی درباره بازگشت بنیاد تبّت و تبّتها به‌اصل یمنی آن منتشر شود و شُهَيْهَ مستعمره شدن تبّت برای مدتی پیش از اسلام توسط عرب‌های حمیری^۹ هم‌چنان به‌عنوان یک ابهام تاریخی باقی بماند. پاسخ به چنین شبهاتی و در ک این که اساساً منظور از ناحیه چین و تبّت مذکور در روایت طبری و سایر منابع یاد شده دقیقاً در کجا قرار داشته، نیازمند واکاوی بسیار گسترده‌ای است که می‌تواند به‌عنوان موضوع جداگانه‌ای قابل بررسی باشد، اما از آنچه تاکنون مطرح گردیده استنباط می‌شود که این روایت‌ها ظاهراً بیشتر با اواخر دوره امویان (۴۱-۱۳۲ق.) و خلفای بغداد (۱۳۲-۵۶ق.) مطابقت دارد، زیرا عرب‌ها و مسلمانان ایرانی در همین دوران تا دروازه‌های

۱ «قال الأصمعي: مكتوب على باب سمرقند بالحميره: بين هذه المدينة وبين صناعة ألف فرسخ»؛ نک: الهمذاني، همان، ص ۲۹۶.

۲ گردیزی، همان، ص ۵۶۰.

۳ گردیزی، همان.

۴ الحموی، همان، ج ۲، ص ۱۰.

۵ أبو زيد حسن السيرافي (سلیمان تاجر) (۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م)، أخبار الصين والهند، تحقيق و تحليل ابراهيم خوري، بيروت، مطبوعات دارالموسوم للأعلام، ص ۶۱.

6 Benjamin of Tudela .

7 السيرافي، همان؛ رابی بنیامین تودولایی (۱۳۸۰ق)، سفرنامه رابی بنیامین تودولایی، ترجمه مهوش ناطق، از روی متن آلمانی گرونهوت و مارکوس آدلر و مقابله ترجمه انگلیسی آشر، تهران: کارنگ، ص ۱۳۷.

8 بارتولد، همان، ص ۵۳۰-۵۳۵.

9 Bartold, W. and Bosworth, C.Evol. X. p. 576.

چین رفته و با اسیران چینی، کاغذ چینی را در آسیای میانه و بهویژه سمرقند آورده‌است.^۱

مقارنت عصر قباد با تابعه مذکور در روایت طبری

یکی از نکاتی که کمتر بدان پرداخته شده است محتويات تاریخی سنگ نبشته‌های یمنی پس از قرن چهارم میلادی است که تا حدودی با روایات اخباریان موجود در منابع اسلامی نیز هماهنگی دارد.^۲ از کیمیهای یافت شده در وادی ماسل که دونوبت با شماره‌های Ry509 و Ry445 به چاپ رسیده و تاریخ آن، براساس سنگ نبشته‌هایی چون Res3383 معلوم می‌شود در ۳۷۸ م. حکاکی شده و نام ملیکرب و فرزندانش، أبوکرب، أَسْعَد و لشکرکشی او و فرزندش حسان، پادشاه سپا، ذوریدان، حضرموت و یمنات و نیای آن‌ها، ملیکرب نیز در آن ذکر شده است. همچنین از سنگ نبشته‌هایی معروف به Ry534 که تاریخ آن مطابق با ۴۲۸ م. و در بردارنده نذری برای سلامت أبوکرب أَسْعَد و فرزندان او، حسان و شرحیل یعفر و فرزند (بدون اسم) دیگر وی است، مشخص می‌گردد برای شناخت بهتر پادشاهان ساسانی هم زمان با برخی تابعه مذکور در روایت طبری، یعنی أبوکرب أَسْعَد و فرزندش حسان بن أَسْعَد، باید به دنبال آن دسته از پادشاهانی گشت که تاریخ فرمان روای شان میان سال‌های ۳۷۸ تا ۴۲۸ م. باشد.^۳ زیرا هر چند تاریخ پادشاهی قباد اول ساسانی (۴۸۸-۵۳۱ م) با دوران فرمانروایی تبعان مذکور کاملاً مطابقت ندارد ولی با توجه به اختلاف زیادی که میان روایت‌های تابعه — مبنی بر اختلاف راویان و دور بودن عهد آنان^۴ — دیده می‌شود، چنین استنباط می‌شود که فاصله زمانی أبوکرب أَسْعَد (تاهیم ۴۵۵ م)^۵ و دو فرزندش حسان بن أَسْعَد (۴۲۵-۴۲۰ م) و یعفر بن أَسْعَد (۴۵۵-۴۲۵ م)^۶ با تاریخ پادشاهی قباد چندان هم زیاد نیست که نتوان آن را به حساب اختلاف روایت‌های مزبور نهاد.

۱ علیرضا شاپور شهبازی (۱۳۸۹)، تاریخ ساسانیان، ترجمه بخش ساسانیان از کتاب تاریخ طبری و مقایسه آن با تاریخ بلعمی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ص ۱۵۷.

۲ اصغر منتظرالقائم (۱۳۸۰)، نقش قبایل یمنی در حمایت از اهل بیت(علیهم السلام)، قم: بوستان کتاب، صص ۱۷ و ۵۱.

۳ حاج منوچهري، همان، ج ۱۴، ص ۴۹۴، بدنقل از: Ryckmans, 1953, vol. LXVI, p. 326; Philby, 1950, vol. LXIII, p. 166; id, "Inscriptions sud-arabes" (1951-1956), vol. LXIV, p. 100 ff., vol. LXIX, p. 304 ff.

۴ ابن حزم‌andalسی، ابوعلی محمدعلی (۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م)، جمهرة أنساب العرب، بیروت: دارالكتب العلمية، ص ۴۳۹.

۵ جواد علی، همان، ص ۵۷۷؛ گلاسر (Glaser)، می‌گوید أبوکرب أَسْعَد در سال ۴۵۶ م. به بازسازی سد مأرب اقدام نموده است؛ همان، ص ۵۸۰.

۶ زیدان، همان، ص ۱۴۳.

آرای برخی محققان و مستشرقان

از مقایسه عقیده پیگولوسکایا درخصوص تأیید هجوم قبایل پیکارجوی تابع کنديان^۱ و تبعان هم پیمان ایشان^۲ با آنچه کرستین سن درخصوص خراجگزار شدن ایران، پس از شکست پیروز، پدر قباد از هپتالیان^۳ مطرح نموده، می‌توان نتیجه گرفت که با تجزیه امپراتوری بزرگ روم به دو بخش شرقی و غربی از سال ۳۹۵ م^۴ دولت حمیریان در میان کشورهای همجوار خود به چنان اقتداری دست یافته که با ارسال نیروهایی به نواحی مرزی ایران و روم، سرنوشت تاریخی این مناطق را تا زمان حمله حبسی‌ها به یمن (در سال ۵۲۵^۵) دستخوش تغییرات فراوان نموده است.

شاید یکی از دلایل تاخت و تاز عرب‌های تابع حارث بن عمرو بن حجر کندي مذکور در روایت مورد بحث این نوشتار نیز به همین خاطر بوده است. از این که پیگولوسکایا تصریح می‌کند: «سرانجام ضمن آخرین کشفیات در جنوب عربستان و کبیه‌های به دست آمده، معلوم شد خبر مربوط به درخواست حارث[بن حجر کندي] از تبع جهت حمله به ایران حقیقت داشته است.[و] هشام[کلبی، د. ۲۱۸ ق] با استناد به مدارک متذکر گردیده که تبع، ملک حمیر نیروهای خود را گرد آورد و به حیره عراق متعلق به متصرفات ساسانیان[حمله بر^۶] و... این نکته در کبیه [سبئی] Ry510 آمده است»^۷ و نظریه‌های متقدانه نولد که^۸ را به دلیل در

۱ پیگولوسکایا (۱۳۷۲)، همان، ص ۱۷۱.

۲ دو تیره همنژاد معینی و سائی، به منظور اعمال نفوذ در سرتاسر جاده بخور-که عربستان جنوبی، حجاز، شام، عراق و مصر را به هم پیوند می‌داد- کوچ‌نشینانی از عرب‌های جنوب را برای نظرات بر پادشاهان و رؤسای شمال جزیره‌العرب مستقر می‌نمودند تا به عمل مختلف اقدامی نکنند که با مصالح حکمران سبائی یا معینی حاکم بر جنوب عربستان مغایرت داشته باشد. در زمان تباueه مورد بحث این نوشتار، ظاهراً وظیفه مزبور بر عهده قبیله کنده و افرادی چون حارث بن عمرو بن حجر کندي نهاده شده است؛ جواد علی، همان، ج ۱، ص ۵۸۱؛ سالم، همان، ص ۱۲۱.

۳ آرتوس امانوئل کریستینسن (۱۳۸۶)، ایران در زمان ساسانیان (تاریخ ایران ساسانی تا حمله عرب و وضع دولت و ملت در زمان ساسانیان)، ترجمه رشید یاسمی، تهران: سمیر-دبیر، صص ۲۳۳-۲۳۲.

۴ پس از مرگ تنودوسیوس (Theodosius I) در سال ۳۹۵ م.، فرزندانش رسماً امپراتوری روم را به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم کردند؛ نک: چارلز الکساندر رایتنسن (۱۳۷۰)، تاریخ باستان از دوران پیش از تاریخ تا مرگ یوسی نیانوس، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: شرکت سهامی انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، بخش ۶، فصل ۳۴، ص ۷۴۸.

۵ روزی بلاشر (۱۳۶۳)، تاریخ/دبیات عرب، ترجمه آذرناش آذرنش، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ص ۶۱.

۶ نک: ابن هشام، همان، ص ۴۸۵.

۷ پیگولوسکایا (۱۳۷۲)، همان، صص ۱۷۲-۱۷۱.

۸ نولد که، همان، صص ۲۵۰-۲۵۱.

اختیار نداشتن کتبه ۵۱۰ Ry مردوه اعلام نموده^۱ و معتقد است: «سلطه حارث کنده بر سرزمین لخمان را نیز می‌توان با سالهای آشفته [جنگ‌های ایران و روم در] ۵۰۶-۵۰۲ م. مربوط دانست»،^۲ شاید بتوان چنین استنباط کرد که قباد، تحت فشارهای غرب و شرق، از یک سو حارث کنده را تا اندازه‌ای مورد پشتیبانی قرار داده تا از این طریق قدرت روز افزون لخمان (آلمندر رقیب کندهای) را که خواستار استقلال و عدم وابستگی بودند، تضعیف نماید.^۳ از سوی دیگر با قتل عام مزدکیان (در سال ۵۲۹ م.) و حمایت از تجدید سلطنت منذر لخمن^۴ - که در فنون جنگ مهارتی به کمال داشته و در جنگ ایران و روم نیز خدمات ارزشمندی به ایرانیان داده^۵ - به منظور غلبه بر حارث، غاصب امارت لخمان در حیره و خلعید اختیاراتی که به برخی ملوک تابعه و عرب‌های دست‌نشانده ایشان در منطقه حیره عراق داده بود، نه تنها به قلمروی تحت حاکمیت روم لشکر می‌کشد،^۶ با ایجاد رابطه‌ای مخفیانه با برخی از همین ملوک تابعه و کندهای رقیب لخمان، ابتدا حریف زورمندی دربرابر لخمن‌ها برای برهم زدن اتحاد داخلی و ضعیف‌تر کردن آنان به وجود آورد. سپس با پهنه‌برداری دومنظوره از نیروهای تبعان و متّحدان کنده‌شان به دو هدف دیگر خویش که یکی مانع شدن از نفوذ غسانیان مربازان امپراطوری روم شرقی به داخل مرزهای ایران^۷ و آسودگی خاطر پس از برپایی استحکام بیشتر در مرزهای غربی، برای اتخاذ واکنشی جدید در مقابل تهاجم دوباره هون‌ها به مرزهای شرقی کشورش، دست یافته است. لیکن پس از مراجعته به منابع غیر عربی از جمله تاریخ جنگ‌های ایران و روم اثر پروکوپیوس^۸ و گزارش‌های یسوع استیلی،^۹ کشیش

۱ پیگولوسکایا، همان، ص ۱۷۲.

۲ همان، ص ۱۷۳.

۳ همان، ص ۱۷۴.

۴ منذر بن امراء القیس؛ نک: الإصفهانی (۱۸۶۶م)، همان، ص ۹۴.

۵ کریستین سن (۱۳۸۶)، همان، ص ۲۸۲.

۶ پروکوپیوس، همان، ص ۳۷ بعد.

۷ هرچند که لخمان آل منذر نیز از قبل، همین وظیفه را بر عهده داشتند، اما شاید قباد در نظر داشت با ایجاد یک لایه نظامی دیگر که متشکل از نیروهای تابعه و قبایل متّحد ایشان چون کندهای، دیوار دفاعی خود در مقابل غسانیان آل جفنه مربازان امپراطوری روم شرقی را نیز مستحکم‌تر گرداند.

8 Procopius of Caesarea (1938), *History of the Wars, the Persian War and (continued)*, Presented by very reverend H. f. Carr, C. S. B., the loeb classical library edited by T. E. Page, Litt.D., and W. H. D. Rouse, Litt.D., Toronto: the library the institute of mediaeval studies, Book I & II, t p.

۹ جاشووا، یشووا، یا یوشع ستون نشین (عمودی)= (Joshua the Stylite); نک: پیگولوسکایا (۱۳۷۲)، ص ۴۹۸، ۵۰.

و قایع‌نگار اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم^۱، باید اذعان کرد که این منابع در مورد پیشروی برخی از ملوک تابعه به ایران تا مرزهای چین در تبت مطلبی که مؤید این معنا باشد ارائه ننموده‌اند. بلکه به احتمال قوی این تهاجم‌ها به منظور غارت نواحی حیره و بخش‌هایی از محدوده فرات، سواد تا مدائی صورت گرفته و تا زمان خسرو انشیروان ادامه داشته است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که نظر تاریخ‌نگاران مسلمان و اخباریان عرب درباره پیشروی‌های مذکور مورد تأیید همه محققان نیست.

نتیجه گیری

براساس روایتی از طبری و دیگر منابع اسلامی تا قرن هفتم هجری درباره پیشروی نظامی برخی ملوک تابعه به ایران تا مرزهای چین و تبت و مقایسه تطبیقی آن با سایر منابع غیر اسلامی، معلوم گردید آن بخش از این روایتها که به پیشروی تابعه در مرزهای چین و تبت مربوط می‌شود با تردید بسیار مواجه است، اما بخش دیگری از همان روایات که با لشکرکشی تبعان به مناطق غربی ایران اشاره دارد، به حقایق تاریخی نزدیک است. از همین‌رو می‌توان گفت، اگر منابع مزبور، در نوشه‌های خود ذکری از لشکرکشی تبعان به ایران تا مرزهای چین و تبت به میان آورده‌اند، به معنای زیرپنهاندن حاکمیت ایران عصر قباد نبوده بلکه تنها به تسخیر حیره و تهاجمات پراکنده‌ای به محدوده فرات، سواد تا تیسفون مدائی در غرب قلمرو ساسانیان منحصر می‌شود.

به طور کلی مطالب مذکور در این نوشتار را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:

۱. عبور نیروهای تابعه از ایران تا رسیدن به فراسی و مرزهای شمال شرقی کشور ایران، اگر حتی طبق نظرات طبری و دیگر منابع تا قرن هفتم هجری از راه زمینی یا دریایی انجام گرفته باشد، مستلزم صرف زمان و مسافت طولانی بوده است. این‌که چگونه نیروهای عرب، این مسیر را تا سمرقند بدون هیچ مقاومتی طی کردند نیز در هیچ یک از منابع مرتبط با دوران قباد، حتی در منابع عربی به آن اشاره نشده است.
۲. علی‌رغم گزارش‌های متعدد درخصوص قتل قباد اوّل به دست شمرّ ذوالجناح در ری باید اذعان کرد که در هیچ یک از منابع هم‌عصر و مرتبط با دوران حکمرانی قباد

^۱ Joshua the Stylite, (1882), *The Chronicle of Joshua the Stylite*, composed in Syriac A.D. 507, translation into English by W. Wright, LL.D., edited for the syndics of the university press, Printed by C. J. Clay, M. A. & Son, Cambridge: university press, t p.

و تاریخ ساسانیان، ذکری از این موضوع به میان نیامده است، بلکه مرگ قباد به علت بیماری در اثر کهولت سن ثبت شده است.

۳. در روایات مرتبط با سال‌های آغازین حکمرانی انشیروان نیز نشانی از نفوذ تابعه به مرزهای تبت و چین به چشم نمی‌خورد. از این‌رو است که ابن اثیر نیز این روایت طبری را مردود شمرده و آن را غزشی بزرگ قلمداد می‌کند.

۴. این که منابع تا دوران ابن اثیر (وفات ۳۰۶ق)، درخصوص مرگ قباد سکوت کرده‌اند یا تنها روایت طبری را تکرار نموده‌اند نیز به سنت تاریخ‌نگاری مبتنی بر نقل مکرر روایات مربوط می‌شود و دلیلی بر صحّت این روایت نخواهد بود.

منابع و مأخذ

- قرآن مجید.
- ابن الأثير، أبوالحسن عز الدين على (۱۳۸۵ق/۱۹۶۵م)، *الكامل في التاريخ*، بيروت: دارصادر - داربيروت.
- ابن البلخي (۱۳۳۹ق/۱۹۲۱م)، *فارس‌نامه*، به اهتمام و تصحیح گای لسترنج و رینولد آلن نیکلسون، کمبریج: دارالفنون.
- ابن حبیب، ابو جعفر محمد (۱۳۶۱ق/۱۹۴۲م)، *المُحَبَّر*، وقد اعتنت بتصحیح هذا الكتاب الدكتورة الانسة ایلزه ليجن شتیتر /حدی العالمات بأمریکا، حیدر آباد دکن: جمعیة دائرة المعارف العثمانية.
- ابن حزم اندلسی (۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م)، *ابو محمد على*، *جمهرة أنساب العرب*، بيروت: دار الكتب العلمية.
- ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد (۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م)، *العبر و دیوان المبتدا و الخبر فی أيام العرب و البربر و من عاصرهم من ذوى السلطان الأكبر*، تاریخ ابن خلدون، تحقیق خلیل شحادة، بيروت: دار الفکر، طبعة الثانية.
- ——— (۱۴۲۵ق/۲۰۰۴م)، مقدمه ابن خلدون، بتحقيق عبدالله محمد الدرويش، دمشق: دار يعرب.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق/۱۹۹۴م)، *لسان العرب*، بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، دارصادر.
- ابن هشام، ابو محمد عبد الملک (۱۹۷۹م)، *كتاب التيجان في ملوك حمير*، صنعا: مركز الدراسات والأبحاث اليمنية.
- أبو دلف، مسعود بن المهلل الخزرجي (۱۹۶۰)، *الرسالة الثانية لأبي دلف مسعود بن المهلل الخزرجي*، عنی بنشرها و ترجمتها و تعلیقها بطرس بولغاکوف و أنس خادوف، مسکو: دار النشر للأداب الشرقيه.
- أبو دلف، مسعود بن مهلل خزرجي ينبوعي (۱۳۴۲)، *سفرنامه ابو دلف در ایران*، با تعلیقات و تحقیقات ولادیمیر مینورسکی، ترجمه سید ابوالفضل طباطبائی، تهران: فرهنگ ایران زمین.

- أبوالقداد، عمادالدین اسماعیل (۱۳۴۹ق)، *تقویم البلدان*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- الأصمی، عبدالملک بن قریب (۱۳۷۹ق / ۱۹۵۹م)، *تاریخ العرب قبل الإسلام*، عن نسخة كتبت عام ۲۴۳ق، بتحقيق شیخ محمد حسین آل پیس، بغداد: منشورات المکتبة العلمیة و مطبعة المعارف.
- الإصفهانی، حمزة بن الحسن (۱۸۶۶م)، *تاریخ ملوك الأرض*، به اهتمام کیبرالدین احمد، کلکته: مظہر العجایب.
- ———، ابوالفرج علی (۱۴۱۲ق / ۱۹۹۲م)، *الأغانی*، به کوشش سمیر جابر، بیروت: دار الكتب العلمیة.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد [بی تا]، *المسالک والممالک*، بتحقيق ابوزید احمد بن سهل، بیروت: دار صادر.
- امینی نجفی، عبدالحسین احمد (۱۴۳۰ق)، *موسوعة العدیر فی الكتاب والسنۃ والآدب*، قم: مؤسسه دائرة المعارف الفقه الإسلامی.
- بارتولد، و. [بی تا]، «التبت»، *دائرة المعارف الإسلامية* (أصدر بالألمانية والإنجليزية والفرنسية واعتمد في الترجمة العربية على الأصوات الانجليزى والفرنسى)، مترجمان مقالات به عربى: احمد شتاوى، ابراهيم زكي خورشيد، عبدالحميد يونس و جلال حافظ، تهران: انتشارات جهان (بودر جمهري).
- برو، توفیق (۱۴۲۸ق / ۲۰۰۷م)، *تاریخ العرب القديم*، لبنان: دار الفكر المعاصر و سوریه: دار الفكر.
- بلاشر، رژی (۱۳۶۳)، *تاریخ ادبیات عرب*، ترجمه آذرتابش آذرنوش، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- بلعمی، ابوعلی محمد (۱۳۷۸)، *تاریخ نامه طبری*، تحقيق محمد روشن، تهران: سروش.
- بیرین، ژاکلین (۱۹۶۳)، *اكتشاف جزیرة العرب*، نقله الى العربية قدری قلعجي، بیروت: دار الكاتب العربي.
- پروکوپیوس (۱۳۳۸)، *جنگ های ایران و روم*، ترجمه محمد سعیدی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- پیرنیا، حسن (مشیرالدوله سابق) (۱۳۰۸)، *ایران قدیم یا تاریخ مختصر ایران تا انقراض ساسانیان*، طهران: مطبعة مجلس.
- پیگولوسکایا، نینا ویکتورونا (۱۳۶۷)، *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*، ترجمه عنایت الله رضاء، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ——— (۱۳۷۲)، *عرب حاود مرزهای روم شرقی و ایران در قرن‌های چهارم-ششم میلادی*، ترجمه عنایت الله رضاء، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- جواد علی (۱۳۸۰)، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام*، قم: انتشارات الشریف الرضی.
- حاج منوچهري، فرامرز (۱۳۸۵)، «ثیج»، *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیرنظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- حضرتی، حسن (۱۳۸۲)، *دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی*، قم: بوستان کتاب.
- الحموی، یاقوت (۱۹۹۵م)، *معجم البلدان*، بیروت: دار صادر.
- الحمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ق / ۱۹۹۹م)، *شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم*، تحقيق أ.د.حسین بن عبدالله العمری، أ.مطہر بن علی الإريانی و أ.د.یوسف محمد عبد الله، بیروت: دار الفكر المعاصر و دمشق:

دارالفکر.

- ——— (۱۴۳۰ق/۲۰۰۹م)، ملوك حمير و أقاليل السيم، قصيدة نشوان بن سعيد الحميري (المتوفى سنة ۷۵۵ق) و شرحها المسمى خلاصة السيرة الجامحة لعجائب أخبار الملوك التابعة، تحقيق على بن اسماعيل المؤيد و اسماعيل بن احمد الجرافي، صنعا: مكتبة الإرشاد.
- خراغی، دعل (۱۹۶۲م)، دیوان، تحقيق محمدیوسف نجم، بیروت: دار الثقافة.
- الدینوری، احمدبن داود (۱۳۷۳م)، الأخبار الطوال، تحقيق محمد عبد المنعم عامرو جمال الدين شیال، قم: الشریف الرضی.
- الدینوری، ابن قتبه ابو محمد عبدالله (۱۹۹۲م)، المعارف، به اهتمام ثروت عکاشة، قاهره: الهیئة المصریة العامة للكتاب.
- راینسن، چارلز الکساندر (۱۳۷۰م)، تاریخ باستان از دوران پیش از تاریخ تا مرگ یوسی نیانوس، ترجمه دکتر اسماعیل دولتشاهی، تهران: شرکت سهامی انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- رضا، عنایت الله (۱۳۸۵م)، «تبّت»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- زیدان، جرجی [بی‌تا]، العرب قبل الإسلام، قاهره: دارالهلال.
- الزركلی، خیرالدین (۱۹۸۹م)، الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب والمستعربين والمستشرقين، بیروت: دارالعلم للملايين.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۶م)، کارنامه اسلام، تهران: امیرکبیر.
- سالم، عبدالعزیز [بی‌تا]، تاریخ العرب فی عصرالجاهلیة، بیروت: دارالنهضة العربية.
- سجادی، سیدصادق و عالمزاده، هادی (۱۳۸۶م)، تاریخ‌نگاری در اسلام، تهران: سمت.
- شاپور شهبازی، علیرضا (۱۳۸۹م)، تاریخ ساسانیان ترجمه بخش ساسانیان از کتاب تاریخ طبری و مقایسه آن با تاریخ بلعمی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۸۷م/۱۹۶۷م)، تاریخ الأمم والمملوک، بتحقيق محمد أبوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث.
- عودی، ستار (۱۳۸۰م)، «تُبّع»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حدادعادل، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
- قلقشندي، أبوالعباس أحمد [بی‌تا]، نهاية الأرب فی معرفة أنساب العرب، بیروت: دارالكتب العلمية.
- کریستین سن، آرتور امانوئل (۱۳۸۶م)، ایران در زمان ساسانیان [تاریخ ایران ساسانی تا حمله عرب و وضع دولت و ملت در زمان ساسانیان]، ترجمه رشید یاسمی، تهران: سمیر دییر.
- کلیی، هشام بن محمد (۱۴۲۵ق/۲۰۰۴م)، نسب معد والیمن الكبير، تحقيق دکتر ناجی حسن، بیروت: عالم الكتب للطباعة والنشر والتوزيع.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک (۱۳۶۲م)، تاریخ گردیزی، تحقيق عبدالحی حسیبی، تهران:

دبایی کتاب.

- المسعودی، ابوالحسن علی (۱۴۰۲ق/۱۹۸۲م)، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، بیروت: دار المعرفة.
- -----(۱۸۹۳م)، *التتبیه والاشراف*، لیندن: بریل.
- مسکویه‌الرازی، ابوعلی (۱۳۷۹م)، *تجارب الامم*، تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران: سروش، الطبعة الثانية.
- المقدسی، مظہر بن طاھر [بیتاً]، *البلد والتاریخ*، [بیجا]: بورسعید، مکتبۃ الثقافۃ الدینیۃ.
- منتظر القائم، اصغر (۱۳۸۰م)، *نقش قبایل یمنی در حمایت از اهله بیت علیهم السلام*، قم: بوستان کتاب.
- مهران، محمدبیومی (۱۳۸۳م)، *بررسی تاریخی قصص قرآن*، ترجمه سید محمد راستگو، تهران: علمی و فرهنگی.
- ناجی، محمدرضا (۱۳۸۹م)، «حمری»، *دانشنامه جهاز اسلام*، زیرنظر غلامعلی حدّادعلی، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
- نولدک، تئودور (۱۳۵۸م)، *تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان*، ترجمه عباس زریاب خوئی، تهران: انتشارات آنجمن آثار ملی.
- الهمذانی (ابن الفقيه)، احمد بن محمد (۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م)، *مختصر کتاب البلازان*، بیروت: دار احیاء التراث العربي.
- Akasoy, Anna et al. (2011) *Islam and Tibet-Interactions along the Musk Routes*, England and USA: Ashgate Publishing Limited and Company.
- Bartold, W. And C.E.Bosworth (2000), “TUBBAT”, *the Encyclopaedia of Islam*. Leiden: Brill.
- Hommel, F. (1926), *Grunvis der Geographie und Geschichte des Alten, Orient*: München
- Joshua the Stylite, (1882), *The Chronicle of Joshua the Stylite*, composed in Syriac A.D. 507, translation into English by W. Wright, LL.D., edited for the syndics of the university press, Printed by C. J. Clay, M. A. & Son, Cambridge: university press.
- Procopius of Caesarea (1938), *History of the Wars, the Persian War and (continued)*, Presented by very reverend H. f. Carr, C. S. B., the loeb classical library edited by T. E. Page, Litt.D., and W. H. D. Rouse, Litt.D., Toronto: the library the institute of mediaeval studies, Book I & II.